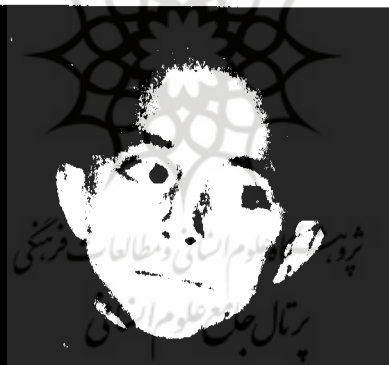


# کودکان دشار

## دروغگوئی

بزرگ و پراهمیت جلوه می‌دهد، به دروغگوئی پرداخته است. دروغ انواع زیاد دارد، مثلا "اگر دروغگو می‌خواهد مورد تحسین واقع شود، در شرح اعمالش و اقداماتش راه اغراق می‌رود و اگر بخواهد از تنبیه عمل خلافی که مرتکب شده است طفره

بیان غیرواقع را دروغ گویند. دروغ ممکن است با مبادرت به سکوت و یا با لفظ انجام گیرد. مثلا "کودکی که کار نادرستی را انجام می‌دهد و درمقابل پرسش دربارهٔ عملش ساکت می‌ماند، دروغ گفته است و کودکی که در گفتارش مطالب را بیجهت



رود، درمقابل سوالهای شما راجع به آنچه کرده است سکوت اختیار می‌کند. و درحالیکه بخواهد گناه را به گردن دیگری بیندازد مطالبی نادرست درباره او می‌گوید.

وقتی که دروغگویی کودک عمدی است اورا سرزنش کنید و درعین حال به او تفهیم کنید که بیان حقیقت و روبرو شدن با نتیجه آن خیلی محترمانه‌تر از آن است که شخص دروغ بگوید و از تنبیه برهد. از موارد دروغ عمدی موقعی است که کودک می‌خواهد به وسیله متهم کردن شخصی دیگر شما را به اشتباه بیندازد و درنتیجه خود را از تنبیه برهاند.

هرگاه علت دروغگویی کودک آن است که او می‌خواهد بدان وسیله محبت و تحسین شما را بیشتر نسبت به خود جلب کند، به او بفهمانید که برای دروغگو ایداً اهمیت و احترامی قائل نیستید و به گفته‌هایش گوش ندهید. اگر درباره کودک دیگری مطالبی غیرواقع بیان کند، به او بگویید که موضوع را با همان کودک درمیان خواهید گذاشت و واکنش او را در مقابل گفته خود زیرنظر داشته باشید.

وقتی که شاگردانتان درک کنند که سخنجینی و دروغ گفتن موافق میل و خواست شما نیست از آن خودداری خواهند کرد. اگر دانش‌آموزی پیدا شود که عادت

به دروغگویی و بهتان زدن دارد، با والدینش دراین باره صحبت کنید. آنان را آگاه کنید که کردار ناپسند فرزندشان نام نیک خانواده‌شان را لکه‌دار خواهد ساخت و از آنان خواهش کنید که برای رفع این عادت زشت فرزندشان با شما همکاری کنند.

درمیان دانش‌آموزان یک عقیده عمومی قوی علیه دروغگویی ایجاد کنید. لازم به تذکر نیست که شما خود نباید دروغ بگویید و حتی از "دروغ مصلحت‌آمیز" که به نظر بعضی مجاز شمرده شده است خودداری کنید. نباید از کلاس به منظور کشیدن سیگار و یا خوردن نوشابه‌ای بیرون بروید و به شاگردان بیسارید که درصورت آمدن مدیر مدرسه به کلاس بگویند که برای آوردن کتابی رفته‌اید. از انجام کار و وظیفه به بهانه ناخوشی مسامحه نکنید. از ترس ایراد و اعتراض مدیر وقتی که تاخیر کرده اید و یا زنگ مدرسه را دیرتر زده‌اید عقربه‌های ساعت خود را به عقب نکشید.

هرگاه فشار عقیده عمومی، تنبیه و ایجاد یک محیط بی‌آلایش و دور از تقلب برای جلوگیری از دروغگویی به نتیجه مطلوب نرسد، یک "ورقه دروغگوها" تهیه کنید. در روی این ورقه اسامی تمام شاگردان را بنویسید و هر موقعی که یکی از آنان دروغ می‌گوید درمقابل اسمش باذکر تاریخ یک علامت به‌اضافه رسم کنید. از

این راه می‌توانید دانش‌آموزان دروغگو را بهتر بشناسید و در برطرف کردن این خصلت ناپسندشان از راه گفتگو با ایشان مراقبت مداوم، و یاری خواستن از پدر و مادرشان سعی بیشتری به عمل آورید.

درباره پسر که خیلی دروغ می‌گفت داستانی نقل می‌کنند: پدرش دید که تنبیه و تهدید نمی‌تواند تغییری در رفتار او بوجود آورد، بنابراین تصمیم گرفت هروقت که دروغی از کودک مشاهده کرد میخی به پشت در اتاق خواب بکوبد. او می‌دانست که فرزندش در بازی همیشه با میخ سروکار پیدا می‌کند. روزی پسر در حین بازی به چندتا میخ احتیاج پیدا کرد. برای بدست آوردن آنها پیش پدر رفت. پدر او را برای پیدا کردن آنها به اتاق خواب فرستاد. وقتی که پسر در آنجا به دنبال میخ می‌گشت چشمش به پشت در افتاد که چندتا میخ به آن کوبیده شده بود. از آنجا بیرون دوید و فریاد زد: "کی این میخها را حرام کرده است؟" پدرش با تعجب پرسید: "حرام؟ این طور نیست! آنها را برای منظوری آنجا کوبیده‌اند..." پسر پرسید: "برای چه منظوری؟" پدر گفت: "هرموقعی که تو یک دروغ می‌گویی من یک میخ به در می‌کوبم و تعداد آنها برابرست با تعداد دروغهایی که از روزی که یادداشت کرده‌ام گفته‌ای."

پسر لحظه‌ای ساکت ایستاد. سپس

رویش را به پدر کرد و درخواست کرد که میخها را از آنجا بیرون بکشد و قول داد که از آن روز به بعد دیگر دروغ نگوید. پدرش متعهد شد هروقت که راست بگوید یک میخ از در بیرون آورده می‌شود. پسر مصمم شد که به غیر از راست نگوید. هر شب قبل از خواب می‌رفت و میخهای باقیمانده را می‌شمرد. می‌توانید شادی و سرور او را در آن شب که دید آخرین میخ را پدرش بیرون کشیده است حدس بزنید.

### بی‌ادبی

بی‌ادبی و عدم رعایت اخلاق و آداب یکی دیگر از مسائل کودکان دشوار است. حرکات ناشایست بعضی از آموزگاران خود باعث بی‌ادبی شاگردانشان می‌شود. اینها آموزگارانی هستند که خود از ادب و عزت - نفس بهره‌ای نبرده‌اند، طرز تکلمشان با اشخاص مودبانه نیست، احساسات و اعتقادات دیگران را مراعات نمی‌کنند، به هنگام صحبت میان کلام دیگران می‌دوند و در خصوصیات دیگران دخالت می‌کنند. شاگردان این چنین معلمان به پیروی از آنان رسوم اخلاقی را زیر پا می‌گذارند. البته بی‌ادبی شاگردان تنها ناشی از مدرسه نیست، بلکه طرز زندگی در خانه نیز از عوامل آن بشمار می‌رود.

هرگاه غرور و شخصیت کودک جریحه

کودکان عصبانی مزاج برای مربیان تعلیم و تربیت مسئله دیگری را بوجود می‌آورند. این قبیل کودکان پیوسته ناخنها - ی خود را می‌چوند، در هنگام صحبت کردن لبه میز را می‌فشارند و یا مرتب با انگشتان خود با چیزی بازی می‌کنند و پرسشهای شما را با صدای لرزان و جسمی بیقرار جواب می‌گویند. نباید با این قبیل کودکان با خشونت و تندی رفتار کنید. طوری کنید که از جانب شما احساس صمیمیت کنند و بدانند که در دل شما علاقه و محبتی دارند و در موارد مناسب از تشویق و تمجیدشان فروگذار نکنید.

کاری نکنید که بیشتر باعث هیجان و کشمکش درونی کودک شوید، زیرا هیجان ناشی از ناراحتی عصبی است و ترس، خشم تشویق و کمرویی از عوامل آن بشمار می‌رود. کودک عصبانی مزاج را با روشها و اصولی آشنا کنید که هیجان را تا حداقل پایین آورید و به او یاد دهید که در موارد مخصوص و موقعیتهای گوناگون چگونه رفتاری باید داشته باشد. مراعات این نوع دستورات تربیتی او را متکی به لیاقت خود می‌کند و به میزان زیادی از بروز هیجان و تشویق می‌کاهد. در نتیجه تربیت صحیح می‌توان از یک کودک کمرو رهبری شجاع

دار شود، ممکن است الفاظ ناپسند بر زبان براند. معلمی یک روز با جواب غیر مودبانه و خشن یکی از شاگردانش که دختر بود مواجه شد، چون او را "ننه" خطاب کرده بود. متوجه باشید که چگونه شاگردان را مخاطب قرار می‌دهید. هرگز با آنان تا به آن حد صمیمی نباشید که از یکی در مقابل دیگری جانبداری کنید. زیرا که صمیمیت بی‌اندازه باعث غرور و جانبداری از یکی موجب مجادله با دیگران می‌شود. تنها در مواردی تنبیه کنید که ناچار باشید. پیوسته دقت و توجه به کار برید تا اعمالتان قابل‌خرده‌گیری و اعتراض نباشد. فساد اخلاق بعضی از کودکان در خانه پایه‌گذاری می‌شود. به این ترتیب که پدر و مادر و برادران و خواهران بزرگتر کلمات نامناسب و حرکات ناپسند آنان را وسیله تفریح و خنده خود قرار می‌دهند و حتی گاهی برادران یا خواهران بزرگتر او را تشویق به ادای الفاظ رکیک و سخنان مذموم می‌کنند و این عمل را شوخی می‌پندارند.

بمحض مشاهده بی‌ادبی و درشتی از جانب کودک باید از آن جلوگیری بعمل آورد. در اقدامات خود در این زمینه قاطعیت داشته باشید. به کودک بفهمانید که محیط کلاس محلی نیست که بتوان با بدخویی و گستاخی در آن رفتار کرد.

کودک خیلی باهوش نیز مشکل دیگری برای مریبان بوجود می‌آورد. او پیوسته در مرتبه‌ای برتر از سایر شاگردان کلاس قرار دارد و آنچه را دیگران در چند دقیقه انجام می‌دهند او در چند ثانیه به پایان می‌رساند. خیلی زودتر از همکلاسان خود حرفهای معلم را درک می‌کند، بنابراین برای او نشستن زیاد در کلاس، یکنواخت و کسالت‌آور می‌شود در نتیجه شروع به انواع ناآرامیها و شیطنتها می‌کند.

همیشه باید این نوع دانش‌آموز را مشغول نگه‌دارید. تمام وقت او را زیر نظر بگیرید، ولی از گرامی داشتن زیاده از حدش بپرهیزید. برنامه کارتان را در کلاس به نحوی تنظیم کنید که بتوانید بطور یکسان به هر دو گروه شاگردان ضعیف و قوی پردازید. با این روش خواهید توانست مشکلات را کم کنید و یا کاملاً آنها را از بین ببرید.



فعال و متکی بنفس بوجود آورد.

ما راضی به جنگ نبودیم و نیستیم لکن اگر  
کسی تعدی بکند دهان او را خرد می‌کنیم.  
امام خمینی